

بررسی فقهی مهلت پرداخت دیه در قتل

مجید قورچه بیگی^۱، مرتضی میرزایی مقدم^۲

^۱ دکترای حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیات علمی دانشگاه خوارزمی

^۲ دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

نام نویسنده مسئول:

مرتضی میرزایی مقدم

چکیده

مهلت پرداخت دیه در قتل، یکی از موضوعات فقهی است که مورد توجه اندیشمندان اسلامی قرار گرفته است. این اندیشمندان، با تفکیک بین قتل عمد، شبه عمد و خطای محض به تعیین این مهلت پرداخته‌اند. لکن دیدگاه همه آنها همسو نبوده و با اختلافاتی همراه است. پژوهش در این دیدگاهها جهت دستیابی به بهترین و عادلانه‌ترین دیدگاه خواست اصلی این گفتار است. در مورد مهلت پرداخت دیه در قتل عمدی و خطاء محض، به علت وجود نص صریح و صحیح روایی، تفاوت دیدگاه کمتر است. در قتل عمدی، مشهور فقهای شیعه به یکسال و مشهور فقهای عامه به حال بودن دیه حکم کرده‌اند. این حکم در شیعه به علت ابتناء بر روایت صحیح از امام صادق (ع) و در بین عامه به علت تمسک به قاعده اطاعت فوری امر مناسب تر است. در قتل خطای محض نیز تمامی فقهای شیعه و اکثر قریب به اتفاق فقهای عامه با استناد به روایت و سنت خلفا به مهلت سه ساله نظر داشته‌اند. اما در قتل شبه عمدی به علت نبود روایت، اختلاف دیدگاه بیشتر و به شش نوع می‌رسد. با بررسی و سنجش این اقوال و ادله آنها، به نظر می‌رسد دیدگاهی که مهلت یکسال را مطرح کرده، از اعتبار بیشتری برخوردار است، چراکه با مبنای روایت وارده و اطلاق آن و نیز عدل و توجه به حقوق بزه دیده و سایر شرایط مرتبط با قتل شبه عمدی سازگاری بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: مهلت پرداخت دیه، قاعده اطاعت فوری امر، قاعده عدل و انصاف، حال بودن پرداخت دیه.

مقدمه

دیه از موضوعاتی است که مباحث بسیار زیادی را در فقه به خود اختصاص داده است. این مباحث به دلیل پیوند با حق الناس با جزئیات بسیاری همراه بوده است. یکی از این مباحث، بحث مهلت پرداخت دیه می باشد. هدف از این بحث واکاوی مسائل راجع به مهلت پرداخت دیه در جنایات عمد، شبه عمد و خطاست. این مسائل از یک سوی طول مدت پرداخت را مد نظر قرار می دهد و از سوی دیگر آغاز این مهلت و چگونگی توزیع پرداخت در آن را. همچنین تمام این مسائل در مورد جنایات علیه نفس و مادیات، در برخی موارد با بحث های متفاوتی روبرو هستند. آنچه در این گفتار مورد توجه قرار می گیرد تنها مسأله طول مدت، آنهم در جنایات علیه نفس می باشد. جنایات علیه نفس به سه نوع عمد، شبه عمد و خطای محض تقسیم می شوند. پرسش اصلی این جستار آن است که دیدگاه فقها در مورد مهلت پرداخت دیه در این سه نوع قتل چیست؟ آیا همه بر یک نظر اتفاق دارند یا اینکه بر دیدگاههای متفاوت پای می فشارند؟ در صورت اختلاف در این زمینه، ادله و مستندات هریک از آنها چیست؟ این بحث از نظر آشنایی با دیدگاههای فقها و استدلال هایشان و نیز تدبر و اندیشه در آنها می تواند مفید باشد. نیز اینکه در سنجش دیدگاه قانونگذار موثر است، چراکه قانونگذار در ماده ۴۸۸ قانون مجازات اسلامی بیان می دارد: « مهلت پرداخت دیه از زمان وقوع جنایت به ترتیب زیر است، مگر اینکه به نحو دیگری تراضی شده باشد. الف؛ در عمد موجب دیه طرف یکسال قمری. ب؛ در شبه عمد طرف دو سال قمری و ج؛ در خطای محض طرف سه سال قمری. »

لذا می توان با ارزیابی دیدگاههای فقها و مبانی استدلالی شان دریافت که کدام دیدگاه صحیحتر بوده و اینکه آیا قانونگذار در مسیر درستی قدم نهاده است؟ در این بحث، دیدگاه فقهای عامه نیز مورد پردازش قرار خواهد گرفت. ناگفته پیداست توجه به دیدگاه این فقها از نظر تطبیق و نیل به برابندی درست تر مفید خواهد بود.

در این گفتار به پیروی از طریق قانون گذار و فقها ابتدا مهلت پرداخت دیه در قتل عمد مدنظر قرار خواهد گرفت و سپس به قتل شبه عمد و خطای محض پرداخته می شود.

۱- قتل عمد

در قتل عمد کیفر اصلی قصاص بوده و دیه تنها به عنوان بدیل و جایگزین و در صورت تراضی جانی و مجنی علیه به کار گرفته می شود. این تراضی ممکن است هم میزان دیه را در بر گیرد و هم اینکه به مهلت پرداخت نظر داشته باشد، آنچنان که طرفین می توانند هر میزان و مهلتی برای آن تعیین کنند. در غیر اینصورت، یعنی عدم انصراف توجه طرفین به میزان و مهلت پرداخت دیه، اندیشمندان اسلامی با ابتناء بر روایات و ادله دیگر به تعیین مهلت پرداخت و مسیر اجرای احکام دینی را روشن ساخته اند. با این حال، این حرکت در مسیر واحدی قرار نگرفت، به همین دلیل به مقاصد گوناگونی انجامید. مقاصدی که حال بودن و مهلت های یک ساله، دوساله را در خود جای داده اند.

۱-۱ یک سال: بررسی دیدگاههای فقهای شیعه آشکار می سازد که قول راجع به مهلت یک سال پرداخت دیه قتل عمد بین آنها از شهرت زیادی برخوردار است. به عنوان نمونه محقق حلی بیان می دارد؛ « در قتل عمد، در صورت تراضی به دیه، این دیه طرف یک سال پرداخت می شود ... » (۱)

این شهرت تا اندازه ای است که برخی در مورد آن از تعبیر بلاخلاف استفاده کرده اند. (۲ و ۳) برخی دیگر نیز پس از بیان فتاوی فقهای دیگر، با بکاربردن تعبیر « و عندنا » بر آن فتاوی مهر تأیید نهاده و بر مهلت یکساله تأکید کرده اند. (۴ و ۵)

صاحب مفتاح الکرامه نیز بعد از بیان این قول و انتساب آن به شیخ مفید، آن را به فقهای بعد از او نیز نسبت داده و بدین ترتیب از شهرت و اعتبار آن پرده بر می دارد. (۶)

مشهور در پاسداری از این قول، ادله ای چند را دستاویز خود ساخته است. این ادله عبارتند از؛

۱-۱-۱ اجماع؛ صاحب ریاض از فقهای است که به اجماع امامیه در مورد این مهلت زمانی استناد کرده و آن را حجت دانسته است. (۳)

نیز برخی از فقها به وجود ادعای اجماع اشاره داشته و بدین صورت بر عدم وجود هرگونه نظر مخالف معتبری تأکید کرده اند. (۷ و ۸)

۱-۱-۲ روایت؛ تنها روایت مورد استناد در اینجا، روایت ابی ولاد است. مطابق این روایت که از امام صادق (ع) نقل شده است « دیه خطا در سه سال و دیه عمد در یک سال پرداخت می شود. » (۹) آنگونه که مشخص است، در این روایت معصوم (ع) به صراحت مهلت پرداخت دیه در قتل عمد را، یک سال تعیین کرده است. این صراحت بدان حد است که اکثر قریب به اتفاق فقها را به استناد بدان وادار کرده است.

در مورد اعتبار این روایت نیز، اکثر فقها آن را صحیحه نامیده و تمام راویان را ثقة دانسته اند. لکن برخی دیگر بین صحیح یا حسن بودن این روایت تردید کرده اند. (۱۰ و ۶) از نظر آنها در بررسی راویان این حدیث، دو طریق قابل پیگیری است. یکی از آنها به صحیح بودن و دیگری به حسن بودن آن می انجامد.

در توضیح این مطلب باید گفت؛ در طریق صحیح روایت، راویان عبارتند از؛ محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن ابن محبوب عن ابی ولاد عن ابی عبد الله (ع). در این طریق همه راویان ثقة اند. اما در طریق حسن، راویان شامل محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابراهیم بن هاشم عن ابن محبوب عن ابی ولاد عن ابی عبد الله (ع) می شود. همانطور که مشاهده می شود در این طریق ابراهیم بن هاشم قرار دارد که در کتب رجال صفت ثقة در مورد وی به کار برده نشده است. به همین دلیل روایات منقول از سوی او را حسن دانسته اند. البته به نظر برخی صرف به کار نرفتن این واژه در مورد این شخص، دلیل عدم وثاقت وی نیست. زیرا در مورد وی صفاتی برتر از وثاقت ذکر شده است. (۱۱)

۱-۳ شدت قتل عمد؛ از ظاهر کلام برخی از فقها می توان استنباط نمود که از دیدگاه آنها، چون قتل عمد شدیدترین نوع قتل است. لذا مهلت پرداخت دیه در آن باید، در مقایسه با دیگر انواع قتل، کمتر باشد. فقها در این مورد از واژه «مغلظه» استفاده می کنند. مثلاً صاحب شرایع الاسلام بیان می دارد که دیه قتل عمد از نظر سن شتر و مهلت پرداخت، غلیظ تر است. (۱)

۱-۲ سه سال؛

این قول از سوی ابوحنیفه و تابعان او مطرح شده است. (۱۲) در استدلال به نفع این قول بیان شده است «لانه دیه آدمی، فکانت موجله کدیه شبیه عمد» (۱۲) از نظر قائلین به این قول، دیه دارای مهلت بوده و ظرف سه سال باید پرداخت شود و نیز اینکه تفاوتی بین انواع دیه وجود ندارد. نیز این قول به خلیفه دوم نسبت داده شده است. (۱۳) لکن این قول شاذ بوده و نیز ضعیف شمرده شده است. (۲)

۱-۳ حال و نقدی بودن پرداخت

حال بودن پرداخت دیه در قتل عمدی، دیدگاهی است که رد پایش هم در فقه شیعه و هم در فقه عامه قابل پیگیری است. در بین اهل تشیع فتوای شیخ طوسی در خلاف و نیز ابن حمزه در الوسيله قابل ذکر است. به نظر ایشان «دیه قتل عمد حال بوده و قاتل باید آن را از مال خود پرداخت کند.» (۱۴ و ۱۵) وی در مورد دلائل خود به اجماع فرقه و نیز قاعده اطاعت فوری امر اشاره می کند. در مورد اجماع، بررسی اقوال فقها آشکار می سازد که در بین فقهای شیعه هیچ کس موافق این قول نظر نداشته است، به طوری که گفته شده؛ «اجماع و اخباری در این زمینه نیست.» (۱۶) نیز گفته شده است که این ادعا موهون است. (۲) اما این نوع اجماع با اجماع معمول و متعارف که به عنوان یکی از منابع استنباط مورد استفاده قرار می گیرد، متفاوت است. شیخ طوسی در موارد بسیاری به این نوع اجماع اشاره کرده است. این اجماع را باید «اجماع بر قاعده» نامید، چراکه شیخ در این اجماع با بیان یک قاعده، این قاعده را آنچنان مستحکم می شمارد که هرگونه تصویری خلاف آن را رد می کند. به دیگر عبارت، به نظر ایشان برخی قواعد به اندازه ای تخطی ناپذیرند که می توان اذعان داشت، تمام فقها و اندیشمندان موافق آن بوده و لذا بر آن اجماع دارند. این اجماع به حکم منطق نسبت به نتایج حاصل از آن قاعده نیز وجود دارد. در بحث پیش رو، قاعده ای که شیخ مستمسک قرار داده و سرچشمه اجماع می داند، همان قاعده اطاعت فوری امر است. حاصل اجرای این قاعده در قتل عمد، فوری بودن پرداخت دیه است. به عبارت دیگر در مسأله مورد بحث، قاعده کلی آن است که «و کل امر یدل علی الفور». قاعده جزئی هم وجوب و امری بودن پرداخت دیه در قتل عمد است. پس اجماع در آن قاعده کلی به این قاعده جزئی هم سرایت کرده و لذا پرداخت دیه هم فوری بوده و هم مستند به اجماع می گردد.

در انتقاد نسبت به این استدلال شیخ طوسی، گفته شده است که اولاً، در مورد این قاعده اجماع وجود ندارد. ثانیاً حتی اگرهم این قاعده مورد موافقت باشد، بازهم در اینجا قابل استناد نیست. زیرا در این مورد روایت صحیحی وجود دارد که مخصص این قاعده کلی می باشد. لذا به ناچار باید به خاطر وجود روایت صحیح ابی ولاد، از این قاعده کلی دست کشید و مهلت پرداخت دیه در قتل عمد را یکسال دانست. (۱۱)

قول حال بودن پرداخت دیه در بین فقهای عامه نیز قائلینی دارد. مثلاً مذاهب مالکیه و شافعیه موافق این قول می باشند. (۱۲) این قول آنچنان بین این فقها شهرت دارد که برخی آن را به جمهور فقها نسبت داده و بیان می دارند «دیه العمد تجب معجله فی ماله، غیر موجله». (۱۳) این فقها در حمایت از دیدگاه خویش به دو استدلال متوسل شده اند؛

نخست اینکه، گفته شده است «دیه در قتل عمد بدل از قصاص است و چون اجرای قصاص حال و فوری است بدل آن نیز باید حال و فوری باشد.» (۱۳) به دیگر عبارت، فرع تابع اصل است و لذا اصل هر خصیصه ای داشته باشد، فرع نیز از آن خصوصیت برخوردار است.

نمی توان بیان داشت که اصل حال بوده ولی فرع دارای مهلت است. در مورد قصاص و دیه در قتل عمدی نیز همین ترتیب وجود دارد. لذا حکم به پرداخت دیه در قتل عمدی موافق اصول و قواعد خواهد بود. دوم، به تغلیظ و سختگیری نسبت به قاتل اشاره شده است. بدین توضیح که مهلت دادن به قاتل در پرداخت دیه نوعی تخفیف است حال آنکه وی به علت سوء نیت اغماض ناپذیرش، سزاوار تشدید است. (۱۲ و ۱۳) در داوری بین این سه قول، قول نخست به علت موافقت با روایتی که در این زمینه وجود دارد، صحیح تر به نظر می رسد. اما در صورت عدم توجه به روایت، همانند فقهای عامه، قول پرداخت فوری دیه با اصول و قواعد موجود مطابقت بیشتری دارد. لکن قولی که مهلت سه سال را بیان کرده است از هیچ جهتی قابل اعتنا نخواهد بود.

۲- شبهه عمد

برخلاف قتل عمد که در آن دیه، کیفر بدلی بوده و جانشین قصاص می گردد، در قتل شبهه عمد، دیه از همان آغاز به عنوان کیفر اصلی تعیین می گردد. مهلت پرداخت دیه این نوع قتل نیز محل ظهور آراء و فتاوی مختلف در بین اندیشمندان اسلامی بوده است. این گوناگونی دیدگاه، هم در اندیشه های شیعه و هم در اندیشه های عامه قابل مشاهده است، به طوری که می توان به شش قول مختلف در این موضوع دست یافت.

۲-۱ دو سال

این دیدگاه حامیان بسیاری بین شیعه دارد، بدان گونه که برخی آن را قول مشهور دانسته اند. (خوئی، همان؛ حسینی عاملی، همان) با این حال نگرش در اقوال فقهای قائل به این دیدگاه، آشکار می سازد که آنها در بیان مهلت مذکور طریق یکسانی نپیموده اند. بدان گونه که برخی صراحتاً و بی واسطه به بیان و تأیید این مهلت پرداخته (۵ و ۱) اما برخی دیگر با آوردن واژه هایی نظیر « قیل » (۱۷) و یا « قد ذکر بعض اصحابنا » (۵) از بیان صریح این نظر خودداری کرده اند. لازم به ذکر است که این قول بیشتر به شیخ مفید نسبت داده شده است و فقهای اخیر با آوردن عبارات پیش گفته این انتساب را بیان می دارند. البته این انتساب در کلام برخی دیگر به وضوح مشخص است. (۱۸ و ۱۹) این شیوه برخورد با دیدگاه پیش رو، نشان دهنده تردید این گروه فقها نسبت به آن است. (۶ و ۲۰) آنها از یک سو به دلیل عدم وجود روایت یا دلیل مستحکمی در مورد این موضوع، در پذیرش این دیدگاه دچار تردید شده و از سوی دیگر نتوانسته اند در برابر شهرت این دیدگاه مقاومت کرده و فتوایی دیگر بدهند. با این حال، این دیدگاه آنچنان نزد عده ای محکم و تخطی ناپذیر است که هرگونه تردید در آن را روا نداشته اند. (۳)

برخی فقهای دیگر از مسیر احتیاط به این دیدگاه رسیده اند. به عنوان نمونه گفته شده است: « احوط است که جانی در پرداخت این دیه از دو سال تأخیر نداشته باشد و نیز احوط است ولی دم به جانی دو سال مهلت بدهد و این ادعای پرداخت در دو سال بعید نیست. » (۲۱) صرف نظر از تفاوت در نقل و بیان این دیدگاه، این دسته از فقها در پاسداشت این قول استدلالهایی آورده اند که عبارتند از: ۱-۲- اجماع؛ اجماع گاهی به صراحت مورد اشاره فقها در استخراج این دیدگاه قرار گرفته است (۳) و گاهی از ظاهر کلام آنها و با آوردن عباراتی چون « نفی خلاف ». (۶)

با این حال، این دلیل از سوی برخی مورد ایراد واقع شده است. آنگونه که گفته اند مشکل بتوان به آن اعتماد کرد (مکارم شیرازی، ناصر، همان) یا اینکه این اجماع غیر تام و ناقص است. (۷) این ایراد شاید به دلیل تردید بسیاری از فقها در بیان این دیدگاه باشد. چراکه با وجود این تردید و عدم قطعیت، چگونه می توان از اجماع یا اتفاق علمای اسلام که کاشف از قول معصوم است، سخن گفت.

۲-۱-۲ تخفیف نسبت به عمد؛ برخی این دیدگاه را در مقایسه با مهلت پرداخت دیه در قتل عمد، مورد پذیرش قرار داده اند. به نظر آنها اگر در قتل عمد مهلت پرداخت دیه یک سال است، در قتل شبهه عمد که از نظر شدت در مرتبه ای پایین تر قرار دارد، مهلت باید بیشتر باشد. به عبارت دیگر مرتکب قتل شبهه عمدی باید از تخفیف نسبت به مرتکب قتل عمدی برخوردار باشد. (۱ و ۱۸)

با این حال این عده در مورد اینکه چرا این تخفیف به تعیین دو سال انجامیده است، دلیلی ارائه نداده اند. به دیگر عبارت، هرچند بتوان خفیف بودن قتل شبهه عمد را نسبت به عمد پذیرفت و به دادن مهلت بیشتر نظر داشت، اما چرا این مهلت به یک سال و نیم و یا بیشتر از دو سال نرسیده است؟ این پرسشی است که در کلام این دسته از فقها بدون پاسخ مانده است.

۲-۱-۳ احتیاط؛ احتیاط روشی است که صاحب تحریر الوسیله برای تعیین مهلت دوسال بدان متوسل شده است. ایشان هم ولی دم را به احتیاط دعوت می کند و هم جانی را. از نظر ایشان احتیاط در آن است که ولی دم مهلتی برای پرداخت دیه به جانی بدهد. این احتیاط به این دلیل است که در قتل عمد و خطای محض به وجود این مهلت در روایات صحیح اشاره شده است. پس اصل وجود مهلت در پرداخت دیه قطعی است. در مورد دیه شبهه عمد نیز با وجود تردید در مهلت، اصل احتیاط به ناگزیر تعیین مهلت زمانی را ضروری می سازد. از طرف

دیگر جانی نیز بنابر احتیاط نباید پرداخت دیه را بیشتر از دوسال به تاخیر اندازد. زیرا دیه حق ولی دم بوده و می بایست در زمانی معقول در دسترس وی قرار گیرد.

با این حال ایراد راجع به استدلال قبلی در اینجا نیز قابل مشاهده است. یعنی به فرض پذیرش احتیاط، چرا مهلت دوساله تعیین شده است؟

۲-۴ اصل برائت؛ در مورد این اصل گفته شده است؛ در موضوع مورد بحث، تردید در شرطیت یک یا دو سال است و این تردید مجرای برای جریان اصل برائت است. نتیجه جریان اصل برائت آن است که مهلت تا آنجا که ممکن است عقب رانده شود. اما این عقب نشینی تنها تا اندازه ای امکان پذیر است که با اجماع در نیاویزد. به دیگر عبارت، اجماع مرز دو سال را تعیین کرده است و لذا اصل برائت توان شکستن این مرز را ندارد. (۱۱)

اینکه از چه روی، اجماع در این استدلال ملاک قرار گرفته، جای ابهام است. به این توضیح که، اگر اجماع معتبر و قابل اعتناء است، چرا به خودی خود مبنا قرار نمی گیرد و پای اصل برائت به میان می آید، و اگر قابل اعتنا نیست، چرا ملاک قرار گرفته است؟ البته قابل ذکر است که قائل به این استدلال نظر موافقی با ادعای اجماع در این زمینه ندارد. بنابراین بهتر آن است که در این استدلال از اجماع صرف نظر کرده و اصل برائت را قادر به عقب راندن مهلت تا سه سال دانست. زیرا مهلت سه سال قطعی و مستند به روایت است.

۲-۵ بهره گیری از مهلت پرداخت در قتل عمد و قتل خطای محض؛ استدلال اصلی حامی این دیدگاه ساخته و پرداخته مقایسه و نسبت گیری بین مهلت پرداخت دیه قتل عمد و خطای محض است. در رابطه با این استدلال گفته شده است؛

« همانگونه که جنایت خطائی و عمدی به دلیل متفاوت بودن، از هم متمایز می باشند، ضروری است که در مورد مهلت پرداخت دیه در بین آنها و همچنین در مورد خطای شبیه عمد تفاوت وجود داشته باشد. زیرا اقتضای چنین تفاوتی، همین است. پس دیه شبه عمد در دو سال پرداخت می شود. چراکه این جنایت از جنایت عمدی خفیفتر است و لذا باید در مهلت نیز خفیفتر باشد و از جنایت خطای محض سنگینتر است، لذا در مهلت نیز سنگینتر باشد. » (۲۰)

صاحب ریاض به این استدلال اشاره کرده و از آن به « حجت موبده » تعبیر می کند. (۳) صاحب مفتاح الکرامه نیز پس از بیان استدلال مذکور بیان می دارد؛ « از نظر من چون جنایت شبه عمد خفیفتر از عمد و شدیدتر از خطای محض است، پس مهلت پرداخت دیه در آن باید بین مهلت پرداخت در این دو باشد. و تردیدی نیست که این مهلت کمتر از یکسال نیست و این موضوع مورد توافق است هرچند به ضرورت آن اشاره نشده است. زیرا جنایت عمدی ظلم محض است پس بنابر قاعده اولویت کمتر از آن نیست. » (۶)

آنگونه که مشاهده می شود در این عبارات کوشش شده است با توجه به مهلت پرداخت دیه در جنایت عمدی و نیز خطای محض و تناسب گیری از آنها، مهلت پرداخت دیه قتل شبیه عمد تعیین گردد. در این مسیر نیز از قاعده اولویت استفاده شده است. بدین شکل که اگر مهلت پرداخت دیه در قتل عمد یکسال است به طریق اولی در قتل شبه عمدی باید بیشتر باشد، زیرا این قتل از قتل عمدی خفیفتر است. اما در مورد قاعده اولویت و جریان آن در اینجا تردید وجود دارد زیرا نظام ضمانات اجراها و فرایند آن در این دو بسیار متفاوت است.

نیز در همراهی با این استدلال از « قاعده عدل و انصاف » سخن گفته شده است. بدین توضیح که این قاعده اقتضاء دارد در مواردی که بین یک یا سه سال تردید است نصف جمع آنها، یعنی دو سال مبنا قرار گیرد. (۱۶) بنابر این استدلال، جنایت شبه عمد از نظر شدت کاملاً در حد وسط جنایت عمد و خطای محض قرار گرفته است و لذا از نظر مهلت پرداخت دیه نیز باید در همان حد قرار گیرد. در غیر اینصورت عدالت نقض و انصاف پایمال می گردد. اما مبنای این ادعا مشخص نیست. اگر کیفر این دو جنایت مد نظر قرار داده شود، برابری آشکار شدن شدت جنایت قتل عمد نسبت به شبه عمد و خطاست. زیرا کیفر جنایت عمدی، قصاص و کیفر جنایت شبه عمدی و خطای محض پرداخت دیه است. بنابراین اگرچه نمی توان جنایت شبه عمدی را بر خطای محض منطبق دانست، لکن با توجه به کیفر آن دو، آنها به هم بسیار نزدیک می باشند، به گونه ای که می توان این نوع جنایت را از جنایت عمدی بسیار دور و به خطای محض بسیار نزدیک دانست. نتیجه اینکه، مهلت پرداخت دیه در جنایت شبه عمدی باید از یک سال دورتر و به سه سال نزدیکتر گردد و این همان مقتضای قاعده عدل و انصاف است. اما این شیوه هم ابتر است زیرا بازهم در تعیین قطعی مهلت دچار مشکل خواهد شد.

چالشهای دیگری نیز گریبان گیر این استدلال شده است، نظیر اینکه « آنچه در طرفداری از این دیدگاه گفته شده راجع به اینکه شبه عمد نسبت به عمد خفیفتر و نسبت به خطاء محض شدیدتر است و چون دیه در اولی ظرف یک سال و در دومی ظرف سه سال پرداخت می شود، پس نتیجه این می شود که دیه شبه عمد در دو سال پرداخت می گردد، استحسان محض بوده و باور ما نیست. » (۷)

در همین راستا اشکال شده است که بر چه مبنایی گفته می شود که بینابین یک و سه، دو سال می شود؟ چرا دو سال و نیم یا یک سال و نیم نیست؟ ادعای دو سال تنها استحسان بوده و برآمده از ذوقیات. (۱۱)

استحسان که در فقه امامیه فاقد جایگاه است، عبارت است از « اینکه در جایی که با قیاس یا قاعده کلی یا دلیل دیگر می توان حکم شرعی را استنباط کرد، از آن صرف نظر کرده و به ملاحظه مصلحت خاص مورد، حکمی مخالف برای مسأله پیدا کنیم. » (۲۲) با توجه با

این تعریف می توان بیان داشت، چون در این موضوع روایتی صحیح وجود دارد که می توان بر مبنای آن به راهکاری مناسب دستیافت، چشم پوشی از این روایت و دست یازی به استدلالهای دیگر استحسان بوده و ناپسند است.

در ایراد دیگر نسبت به این استدلال، بحث تغلیظ شبه عمد نسبت به خطا آماج قرار گرفته است. توضیح اینکه، در این استدلال آمده بود که شبه عمد از نظر مهلت پرداخت دیه باید از خطای محض غلیظ تر یا شدیدتر باشد. اما اشکال شده است که اگر به احادیث راجع به تغلیظ دیه نظر افکنیم، خواهیم دید که تغلیظ دیه تنها نسبت به اسنان ابل است نه مهلت پرداخت. (۱۱)

مطابق با این ایراد، نزدیک به هفت حدیث در مورد غلظت دیه شبه عمد نسبت به خطای محض نقل شده است.^۱ بررسی این احادیث آشکار می سازد که معصوم (ع) شبه عمد را تنها از نظر سنین شترها غلیظ تر از خطای محض دانسته است. لذا نمی توان از نظر مهلت پرداخت دیه، این نوع جنایت را غلیظ تر از خطای محض دانست.

به هر حال این دیدگاه با همه دلائلی که در تقویتش آورده اند، نتوانسته تمام اندیشورزان را قانع کند. آنچنانکه عده ای با بیان عباراتی نظیر « و لم تقف علی مستنده » (۲۳) با دیده تردید بدان نگرسته و عده ای دیگر با بیان عباراتی نظیر « لا دلیل علیه » (۷) به کلی از آن روی برتافته و دیدگاه هایی دیگر برگزیده اند که در ادامه خواهند آمد.

۲-۲ یک سال؛

شیخ طوسی قائل به این دیدگاه است. وی در کتاب خلاف اظهار می دارد که دیه شبه عمد خطا باید در یک سال پرداخت گردد. ایشان اجماع فرقه و اخبارهم را مبنای دیدگاه خود قرار داده است.^۲ (۱۴)

در مورد این دیدگاه گفته شده است که « انهایی که به پرداخت دیه شبه عمد در یک سال حکم کرده اند به روایت ابی ولاد استناد می کنند. با این توضیح که در این روایت عمد در بر ابر خطا قرار داده است. و اگر عمد را بر شبه عمد نیز اطلاق کنیم به ناگزیر این نتیجه حاصل می شود که مراد از عمد اعم از عمد و شبه عمد است. به ویژه اینکه از شبه عمد سخنی به میان نیامده است. (۱۶) اما فقها در برابر این دیدگاه موضع گرفته و آن را فاقد وجه و دلیل دانسته اند. (۳) چراکه نه اجماعی در این زمینه مشاهده شده است نه روایت و اخبار صریحی.

شاید بتوان در همراهی با این دیدگاه از اصل لفظی اطلاق و قاعده اطاعت فوری امر بهره برد. به این شکل که؛ احادیثی که به پرداخت دیه شبه عمد حکم کرده اند از نظر مهلت زمانی دارای اطلاق هستند. در کنار این اطلاق قاعده اطاعت فوری امر وجود دارد. لذا باید این دیه فوراً پرداخت شود. با این حال چون در جنایت عمدی، مهلت یکساله داریم و شبه عمد شدیدتر از عمد نیست، لذا حداقل باید یکسال مهلت برای این نوع جنایت وجود داشته باشد.

اما بر این استدلال، این خرده گرفته شده که قاعده فوریت در اینجا جایگاهی ندارد، زیرا در مورد مبالغ سنگین و زیاد عرف و عادت دلالت بر وجود مهلت و پرداخت قسطی دارد. بنابراین در اینجا اطلاق دلیل بر فوریت نیست. (۱۱)

۲-۳ یک و سه سال

در این دیدگاه وضعیت مالی جانی مبنایی برای تعیین مهلت زمانی پرداخت دیه قرار گرفته است. تنها فقیه قائل به این نظر ابن حمزه طوسی است. وی در کتاب الوسيله بیان می دارد که اگر جانی غنی و ثروتمند بود، باید دیه را ظرف یک سال و اگر ضعیف بود، ظرف دو سال پرداخت کند. (۱۵)

اینکه این اندیشمند اسلامی در تعیین مهلت پرداخت دیه شبه عمد به وضعیت مالی جانی توجه کرده و بر مبنای آن استدلال نموده، پسندیده است. زیرا اصولاً تعیین مهلت در پرداخت ضمانت اجرای مالی به منظور تسهیل نسبت به مسئول انجام می گیرد. به گونه ای که وی بتواند در زمانی که به دارایی کافی رسید از عهده پرداخت آن برآید. اما این دیدگاه از نگرشهای متفاوت با چالشهایی روبرو است. نخست اینکه، در برابر مشهور قرار گرفته و از نظر استدلال به آن حد نیست که پایه و مایه دیدگاه مشهور را سست سازد. دوم اینکه ملاک قرار گرفتن ملائت و عدم ملائت جانی در پرداخت دیه اگر صحیح است، چرا در انواع دیگر قتل عمد و خطای محض ملاک قرار نگرفته است؟ در انواع اخیر جنایت، خالق این نظریه به تعیین مهلتی معین و واحد نظر داشته و به هیچ روی تمایزی از لحاظ تمکن و عدم تمکن مالی جانی قائل نشده است.

۱- اصلی ترین آنها عبارتند از: حدیث العلاء بن فضیل، باب ۱، حدیث ۱۳؛ حدیث ابوبصیر باب ۲ حدیث ۴؛ حدیث معلائی ابی عثمان باب ۲ حدیث ۹؛ حدیث عبدالله بن سنان باب ۲ حدیث ۱ از ابواب دیات نفس.^۱

۲- البته همانطور که گفته شد ایشان در مبسوط موافق نظر مشهور نظر داده و مهلت ۲ سال را صحیح می دانند.

به همین دلیل است که عموم فقها در برابر این دیدگاه موضع گرفته و آن را مردود دانسته اند. به عنوان مثال صاحب تکملة المنهاج گفته است « این دیدگاه ساقط بوده و بجز ابن حمزه فرد دیگری آن را نگفته و نیز دلیلی بر آن نیست. » (۷)

۲-۴ سه سال

این دیدگاه هم از سوی فقهای شیعه مطرح شده و هم از سوی فقهای عامه. در بین فقهای شیعه ظاهراً تنها صاحب تکملة المنهاج بدان باور دارد. وی پس از بیان دیدگاه مشهور و نیز دیدگاه ابن حمزه و استدلال جهت متزلزل ساختن مبانی آنها، به دیدگاه سومی دست یافته که مهلت سه ساله را در کانون خود قرار داده است. ایشان در بیان ادله خویش، به اطلاق صحیحه ابی ولاد و نیز اصل براءت استناد می کند.

راهبری اصل اطلاق در کلام ایشان بدین گونه است که در صحیحه ابی ولاد به طور مطلق به مهلت پرداخت دیه در جنایت خطائی اشاره و در مورد مهلت دیه در جنایت شبه عمد سکوت شده است. این سکوت دلیلی جز شمول مهلت پرداخت دیه جنایت خطائی، یعنی سه سال، بر جنایت شبه عمد ندارد. شباهت جنایت خطای محض و شبهه عمد در کیفر و بعضاً رکن معنوی این اطلاق گیری را تقویت می کند. در همراهی با این استدلال از « قرینه مقابله » بهره برده شده است. بدین توضیح که بنابر صحیحه مذکور، پرداخت دیه عمد مهلت یک ساله دارد و هرچیز غیر عمد، در پوشش خطا، مقابل عمد قرار گرفته است و لذا مهلتش سه سال است. از سوی دیگر واژه خطا عام است و لذا شامل خطای شبهه عمد هم می شود. (۱۱)

می توان در برابر این استدلال ایستاد و بیان داشت که جنایت شبهه عمدی نوع مستقلی از جنایت می باشد، هرچند از جهتی همانند عمد و از جهتی همانند خطای محض است. بنابراین نخست اینکه، اطلاق هیچ یک از این دو جنایت، شبهه عمد را در بر نخواهد گرفت و دوم، اگرهم اطلاق گیری ممکن باشد، در این حدیث بی نتیجه است. زیرا این حدیث هم به عمد اشاره دارد و هم به خطای محض. بنابراین و به دلیل شباهت شبهه عمد به هردو آنها، استناد به اطلاق هم در عمد ممکن است هم در خطای محض. اما این روش سخت نادرست می نماید، زیرا به دو براین متعارض رسیده و راه را برای ورود قاعده « الدلائل اذا تعارضا تساقطا » باز می کند.

توجه به سستی این استدلال، طراح این دیدگاه را (مهلت سه ساله) به سوی اصل براءت و بهره گیری از آن کشانده است. در این راستا می توان گفت در روایت تنها دو مهلت تعیین شده است؛ یک سال و سه سال. با تردید در اینکه جنایت شبهه عمدی ذیل کدام یک از این دو قرار می گیرد، اصل براءت وارد شده و با مدنظر قرار دادن نفع جانی بر مهلت سه ساله مهر تأیید می زند. در بین فقهای عامه نیز به مهلت سه ساله پرداخت دیه در قتل شبهه عمدی اشاره شده است. شافعی یکی از قائلین به این قول است. (۲۴) حتی این دیدگاه به جمهور فقها نیز نسبت داده شده است. (۱۳)

۲-۵ حال بودن؛ این دیدگاه از سوی ابن شبرمه بیان شده است. به عقیده وی دیه شبهه عمد باید حال بوده و نقداً پرداخت گردد. (۱۴)

۲-۶ شبهه عمد فقط قصاص دارد نه دیه. این دیدگاه از سوی مالک بیان شده است. وی با نفی کیفر دیه در جنایت شبهه عمد و التزام به کیفر قصاص، صورت مسأله را محو و خود را از این پرسمان رها نموده است. (۱۴)

در بررسی اقوال پیش گفته راجع به مهلت پرداخت دیه در قتل شبهه عمد، می توان به طریق زیر به حمایت و تقویت قول دوم یا همان مهلت یک ساله پرداخت.

اولاً، این احتمال وجود دارد که مبنای صحیحه ابی ولاد در تفکیک بین جنایت عمدی از خطائی در مورد مهلت پرداخت دیه، شخص پرداخت کننده دیه باشد. بدین گونه که در جایی که خود شخص مسئول پرداخت دیه است، یعنی در قتل عمد، مهلت یک سال و در جایی که دیگری مسئول پرداخت است، یعنی قتل خطای محض، مهلت سه سال باشد. با توجه به این مبنا می توان در مورد مهلت پرداخت دیه در قتل شبهه عمد، با عنایت به اینکه خود شخص مسئول پرداخت دیه است، مهلت یک ساله را پذیرفت. این احتمال توسط منطق و عدالت نیز پشتیبانی می شود. زیرا منطق و عدالت مقتضی آن است که جایی که غیر شخص خطاکار مسبب زیان است نسبت به او سختگیری کمتری شده و راه فراخ تری پیش روی وی نهاد. لکن این سختگیری در جایی که خود شخص مسئول پرداخت دیه است، بر مبنای ملاحظات راجع به بازدارندگی و نیز اهتمام در جبران زیان بزه دیده، معقول و منصفانه است.

پس با این مبنا می توان خطای محض را از عمد و شبهه عمد متمایز و مسیر آن را جدا دانست. اما در مورد عمد و شبهه عمد، شاید گفته شود که در این دو، هرچند خود جانی مسئول پرداخت دیه است، اما شدت و ضعف این دو با هم متفاوت بوده و این تفاوت در شدت، تفاوت در مهلت را باعث خواهد شد.

در پاسخ به این ایراد می توان بیان داشت که تفاوت در شدت قتل عمد و شبه عمد، ضرورتاً باعث تفاوت در مهلت پرداخت دیه نخواهد شد. زیرا در قتل عمد صاحب حق دو گزینه دارد؛ قصاص یا دیه. او می تواند با اجرای قصاص به سرعت به حق خویش رسیده و آلام خود را تسکین دهد یا اینکه به دریافت دیه رضایت دهد. در صورت اخیر ولی دم می تواند با جانی در مورد مهلت پرداخت توافق کرده و در اکثر موارد هر مهلتی را تعیین کند. او می تواند به پرداخت نقدی و حال دیه یا به مهلتی بیشتر رضایت دهد. لذا در اکثر قریب به اتفاق موارد می تواند اراده خود را بر جانی تحمیل کرده و بر مبنای چگونگی تشفی خاطر خود به تعیین مهلت بپردازد. اما در شبه عمد اینگونه نیست. تنها گزینه پیش روی ولی دم، دیه است. تنها دیه است که می تواند با جبران بخشی از ضرر و زیان، موجب تسکین آلام او شود. به عبارت دیگر در مورد قتل عمد تا حد بسیار زیادی اختیار استیفای حق و ترمیم خاطر با قصاص یا دیه و عموماً تعیین مهلت پرداخت دیه با ولی دم است. حال اگر مهلتی تعیین نکرد، مهلت یکساله اعمال می گردد. پس ولی دم نمی تواند به زیادی این مهلت معترض باشد. اما در شبه عمد چنین اختیاری وجود ندارد و لذا بهتر است مهلتی تعیین گردد که ترمیم آلام ولی دم را با تأخیر زیاد مواجه نسازد. نهایت اینکه با تفاوتی که در اختیارات ولی دم در قتل عمد و شبه عمد وجود دارد، به نوعی تفاوت در شدت آنها در موضوع مهلت پرداخت دیه رنگ باخته و نتیجه این می شود که همانند عمد، دیه شبه عمد باید ظرف یک سال پرداخت شود. این مهلت می تواند با مراجعه به اطلاق عمد در صحیحہ ابی ولاد، بیش از پیش رنگ روایی نیز به خود گیرد.

این دیدگاه با توجه به اینکه با بنیان و اطلاق صحیحہ وارده و نیز قاعده انصاف و عدل و فوری بودن اطاعت امر و ضرورت توجه به حقوق بزه دیده و مقتضیات بازدارندگی سازگار است، پسندیده تر بوده و می تواند راهبر قانونگذار قرار گیرد.

۳- خطای محض

جنایت خطای محض نسبت به سایر جنایات از شدت پایینتری برخوردار است. به همین دلیل است که « این نوع جنایت در سن و صفت (شتر) و مهلت استیفاء خفیفتر از دیگر موارد است. » (محقق حلی، همان) در مورد مهلت پرداخت دیه در این نوع جنایت اختلاف دیدگاه بسیار کمتری بین فقهای شیعه و سنی وجود دارد. لکن به هر حال سه دیدگاه در این میان قابل تشخیص است که عبارتند از:

۳-۱ سه سال

این دیدگاه در بین فقهای شیعه از شهرت بسیار زیادی برخوردار است. زیرا بررسی فتاوی آنها آشکار می سازد که عموماً و بدون تردید به این قول قائل بوده و صراحتاً بدان حکم کرده اند. دلائل ایشان در پاسداری از این دیدگاه عبارتند از:

۳-۱-۱ اجماع؛ صاحب مفتاح الکرامه در بیان اجماع در این دیدگاه اظهار می دارد: « دیه خطا ظرف سه سال و هر سال یک سوم پرداخت می شود. برخی و بلکه تمام امت در این قول متفقند. » (۶) ایشان همچنین ادعای اجماع در مذهب البار و دیگر کتب را دارد. صاحب ریاض و صاحب جواهر نیز مدعی اجماع در این زمینه شده اند. (۳ و ۱۰)

شیخ طوسی علاوه بر اینکه به اجماع یک گروه و حتی امت اسلام اشاره می کند، به اجماع صحابه در این زمینه نیز قائل بوده و بیان می دارد که از حضرت علی (ع) و عمر نقل شده است که آنها دیه خطا را به عهده عاقله و مهلت آن را سه سال دانسته اند و اینکه هیچ کس با آنها مخالفت نکرده است. (۱۴)

۳-۱-۲ روایت ابی ولاد؛ این روایت پیش از این بیان گردید. مطابق با آن، دیه خطا باید ظرف مهلت سه سال پرداخت شود. در مورد اینکه واژه « خطا » در این روایت شامل خطای محض می گردد، هیچ تردیدی وجود ندارد.

۳-۱-۳ روایت دعائم الاسلام؛ در این روایت امام صادق (ع) از حضرت علی (ع) نقل فرمودند که: « دیه قتل خطائی در مدت سه سال و در هر سال یک سوم آن پرداخت می شود. » (۲۵)

۳-۱-۴ روایت محمد بن حلبی؛ در این روایت امام صادق (ع) فرمودند که جنایت نابینا خطا محسوب شده و عاقله باید ظرف سه سال دیه آن را پرداخت کند.

در بین فقهای عامه این دیدگاه جایگاه ویژه ای دارد. مثلاً شافعی گفته است: « در مورد دیه خطا، آنچنان که من می دانم، اختلافی نیست که در سه سال پرداخت می شود. زیرا پیامبر (ص) در موردی به آن حکم کرده است. » (۲۴) نیز گفته شده است: « دیه خطا به نظر جمهور فقها همچون حنفیه مدت دار بوده و باید ظرف سه سال پرداخت شود. و این به دلیل تخفیف نسبت به عاقله و چیزی است که از عمر و علی (ع) نقل شده است. چرا که آنها به مسئولیت عاقله در پرداخت دیه ظرف سه سال حکم کرده اند. در این مورد در زمان ما اختلافی نبوده و لذا اجماعی است. » (۱۳) آنگونه که مشاهده می شود جمهور فقهای اهل سنت دیدگاه خود را بر پایه سنت خلفا و ضرورت تخفیف نسبت به عاقله بنیان نهاده اند.

۳-۲ پنج سال

این قول از سوی ربیعہ مطرح شده و شاذ می باشد. (۱۴) ایشان یکی از علمای عامه است. این دیدگاه در کتب فقه‌های شیعه مورد اشاره و مخالفت واقع شده است. آنگونه که در مورد آن از عبارت «لایعتد به» استفاده شده است. (۶ و ۱۴) این برخورد به علت عدم وجود دلیلی در این مورد است.

۳-۳ حال بودن پرداخت

این قول نیز شاذ بوده و در خلاف، به برخی از افراد نسبت داده شده است. (همان)
ملاحظه این سه دیدگاه و ادله آنها به وضوح آشکار می سازد که دیدگاه نخست، دیدگاهی است که دیدگاه‌های بعدی از نظر اعتبار، به هیچ وجه توان نزدیک شدن به آن را ندارند. در این مورد گفته شده است که هر دو قول دوم و سوم شاذ بوده و هیچ مدرکی بر آن وجود ندارد و بین مشهور عام و خاص اجماعی است که دیه عاقله ظرف مهلت سه سال پرداخت می شود. (۲۶)

نتیجه گیری

آنگونه که مشاهده شد موضوع مهلت پرداخت دیه محلی برای بحث و تاخت و تاز اندیشه ها و دیدگاههای گوناگون فقها، اعم از شیعه و عامه می باشد. در مورد موضوعات فقهی طرح دیدگاههای متفاوت با توجه به چگونگی ادله استنباط احکام اسلامی، شکل و مسیری متفاوت به خود می گیرد. در مواردی که این ادله از وضوح و صراحت کافی برخوردارند، بحث روشنتر و نتیجه گیری آسان تر است. مثلاً در بحث مهلت پرداخت دیه در قتل عمد و خطای محض به ویژه در شیعه، به علت وجود روایت صحیح، صدور فتوا سهل تر بوده و در نتیجه اختلاف نظر کمتر است. در این موارد هر چند دیدگاههای متفاوت وجود دارد، اما این دیدگاهها نمی توانند به اعتبار دیدگاه مبتنی بر ادله صریح و معتبر خدشه ای وارد کنند. بنابراین دیدگاه هایی که در بحث مهلت پرداخت دیه در قتل عمد و خطای محض، به ترتیب بر مهلت یک سال و سه سال تأکید دارند، به دلیل ابتناء به روایت صحیح و صریح وارده، معتبر بوده و تخطی ناپذیرند. در غیر اینصورت، یعنی نبودن نص خاص، اصول و قواعد راهگشا بوده و می توانند دستاویز اندیشمندان اسلامی قرار گیرند. فقهای عامه از این اصول در مورد مهلت پرداخت دیه در قتل عمد بهره برده اند و به حق به دیدگاه صحیحی دست یافته اند. به طوری که می توان مدعی شد در صورت نبود نص خاص، این دیدگاه سازگارترین دیدگاه با اصول و قواعد می بود. در فقه شیعه می توان در مورد مهلت پرداخت دیه در قتل شبه عمدی، از این اصول و قواعد به بهره برد. با این حال در این موارد باید به گونه ای حرکت کرد که در مسیرهایی چون استحسان و مصالح مرسله، که از نظر شیعه بیراهه هستند، نیافتاد. در مورد مهلت پرداخت دیه در این نوع قتل روایت صریحی وجود ندارد، طوری که باعث ظهور دیدگاههای مختلفی شده است. اما اگر دیدگاه خود را بر مبنای روایت وارده و اطلاق آن و نیز منطق و انصاف و قاعده اطاعت فوری امر و ملاحظات راجع به حفظ حقوق بزه دیده و نظریه بازدارندگی بنیان نهیم، هم به دیدگاه صحیح مبتنی بر مهلت یک ساله رسیده و هم از خطر سقوط در آن بیراهه ها خواهیم گریخت.

منابع و مراجع

- [۱] محقق حلی، ۱۴۰۸ق. شرایع الاسلام، نشر موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، الطبعة الثانية، قم.
- [۲] ترحیلی عاملی، ۱۴۲۷ق. محمد حسن، الزبدة الفقهیه فی شرح الروضة البهیة، الجزء التاسع، قم، دارالفقه للطباعة و النشر.
- [۳] طباطبائی، سید علی، ۱۴۰۴ق. ریاض المسائل فی تحقیق احکام بالدلائل، جلد ۱۶، بیروت، موسسه آل بیت(ع).
- [۴] محقق اصفحانی، بی تا، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، جلد ۱۱، قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت، بی تا.
- [۵] شیخ طوسی، ۱۳۵۱. المبسوط، المكتبة المرتضوية، النشر لاحیاء آثار الجعفریة، الجزء السابع، قم، المكتبة الرضویة.
- [۶] حسینی عاملی، ۱۴۱۸ق. محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامة، ج ۱۲، تحقیق، علی اصغر مروارید، بیروت، دارالتراث، چاپ اول.
- [۷] خوئی، ابوالقاسم، ۱۴۲۲ق. تکملة المنهاج، الجزء الثاني و الرابعون، قم، نشر موسسه احیاء آثار امام خوئی.
- [۸] مطهری، احمد، ۱۴۰۱ق. مستند تحریر الوسیله، کتاب دیات، نشر خیام، قم.
- [۹] عاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ق. وسائل الشیعه، جلد ۲۸، قم، موسسه آل البيت.
- [۱۰] نجفی، محمد حسن، ۱۳۷۴، جواهر الکلام، ج ۴۳، الطبعة الرابع، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه.
- [۱۱] مکارم شیرازی، ناصر، درس خارج فقه، دیات، جلسه ۴۱، سایت تبیان (www.Tebyan.Net)
- [۱۲] ابن قدامه، ۱۴۰۵ق. المغنی، المجلد الثاني، بیروت، دارالفکر.
- [۱۳] الزحلی، وهبه، ۱۴۱۸ق. الفقه الاسلامی و ادلته، الجزء السابع، دمشق، دارالفکر.
- [۱۴] شیخ طوسی، بی تا خلاف، ج ۵، قم، جامعه مدرسين .
- [۱۵] طوسی، ابن حمزه، ۱۳۹۹ق. الوسیله، ج ۱. نجف، چاپ عبدالعظیم بکاء، نجف.
- [۱۶] حسینی شیرازی، سید احمد، ۱۴۱۰ق. الفقه، کتاب الدیات، بیروت، الدولة الاسلامیه .
- [۱۷] حلی، یحیی بن سعید، ۱۴۰۵ق. الجامع للشرایع، قم، نشر موسسه سید الشهداء.
- [۱۸] السیوری، عبدالله، ۱۴۰۴ق. التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، نشر آیت الله مرعشی، قم.
- [۱۹] یوسفی، حسن بن ابی طالب، ۱۴۱۰ق. کشف الرموز، با تحقیق علی پناه اشتهاودی و آقا حسین یزدی، قم، نشر موسسه النشر الاسلامی.
- [۲۰] علامه حلی، ۱۳۷۶، مختلف الشیعه، الجزء التاسع، قم، نشر مکتب الاعلام الاسلامی.
- [۲۱] خمینی، روح الله، ۱۳۷۹، تحریر الوسیله، المجلد الثاني، تهران، موسسه نشر و توزیع آثار امام خمینی.
- [۲۲] محمدی، ابوالحسن، ۱۳۸۱، میانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ پانزدهم، نشر دانشگاه تهران، تهران.
- [۲۳] شهید ثانی، ۱۳۸۹ق. الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، الجزء التاسع، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- [۲۴] شافعی، محمد بن ادريس، ۱۴۲۱ق. الام، فی السلسله المصادر الفقهیة، القصاص و الدیات، علی اصغر مروارید، الجزء الثاني، بیروت، دارالتراث.
- [۲۵] نوری طبرسی، ۱۳۸۳، مستدرک الوسائل، الجزء الثالث، نشر مکتبه الاسلامیه، تهران.
- [۲۶] مقتدایی، مرتضی، (۱۳۹۱/۱۲/۵)، درس خارج فقه، پایگاه اطلاع رسانی مدرسه فقاہت، مشاهده شده در تاریخ ۹۳/۸/۲۹، به آدرس <http://www.eshia.ir/feqh/archive/text/moghtadaei/feqh> اینترنتی.